



اقدام فعال و آگاهانه زینب(س) علیه بنی امیه/ اشیه الناس به علی(ع)

اشکار کردن ماهیت دشمنان و انحراف آنها در استفاده ابزاری از دین در مسیر قدرت و... همه موید این نکته هستند که حضرت زینب(س) یک برخورد فعال و هوشمندانه و آگاهانه و در آن شرایط بحرانی داشته است.

اشکار کردن ماهیت دشمنان و انحراف آنها در استفاده ابزاری از دین در مسیر قدرت و... همه موید این نکته هستند که حضرت زینب(س) یک برخورد فعال و هوشمندانه و آگاهانه و در آن شرایط بحرانی داشته است.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه — عباس بنشاسته: اقدامات حضرت زینب(س) بعد از عاشورا نشان می دهد که آن حضرت در مواجهه با مسائل مختلف هیچگاه انفعالی برخورد نکرده و ورود فعال و مبتکرانه به موضوعات دارد. لذا با صلابت در مقابل بنی امیه می ایستد و در قالب خطبه ها و سخنرانی ها به این ستم فاحشی که روی داده واکنش نشان می دهد. محتوای رفتاری که حضرت زینب(س) در واقعه کربلا نشان می دهند بر مبنای تسلیم نشدن است. آشکار کردن ماهیت طرف مقابل و آشکار کردن انحراف او در استفاده ابزاری از دین در مسیر قدرت و... همه موید این نکته هستند که حضرت زینب یک برخورد فعال و هوشمندانه و آگاهانه و در آن شرایط بحرانی داشته است. به مناسب وفات این بانوی بزرگوار به سراغ دو تن از کارشناسان دینی کشور رفتیم تا ابعاد اقدامات حضرت زینب(س) را مورد ارزیابی قرار دهیم.

چرا امام حسین(ع) در واقعه عاشورا زنان را با خود همراه کرد؟

حجت الاسلام محمود صفاری از وعاظ دینی کشور در پاسخ به این سوال که چرا امام حسین(ع) زنان را در واقعه عاشورا با خود همراه کرد و نقش و جایگاه آنها در این واقعه چه بود، گفت: بعضی کارها فقط از جنس بانوان بر می آید و این نوع تاثیر گذاری از عهده مردان خارج است. قطعاً وقتی عقول تعطیل می شود و انسان ها عقل خود را اسیر هوای نفس خود کرده اند باید ابزار دیگری را به کار برد. امیرالمومنین فرمود چه بسیار عقلی که اسیر هوای نفس شده است. لذا عقل خاموش شده و هوی نفس روشن شده است.

وی ادامه داد: در این جور مواقع یک چیز ممکن است انسان را روشن کند و عقل او را زنده و متوجه کند، تنها یک بخش از وجود انسان ممکن است از عقل قوی تر عمل کند و آن هم بعد عاطفی است. اینکه امام حسین فرمودند خدا می خواهد که اهل بیت من را اسیر ببیند، شاید علت این باشد با آن وضع رقت انگیزی که بنی امیه اهل بیت را به اسارت کشید، عواطف را تحریک کرد. این حال عواطف و احساسات، توانست عقل های تعطیل شده را تا حدوی روشن کند. قیام های متعددی به اسم توابین و دیگر قیام ها بوجود آمد که همین هم در نهایت منجر به منقرض شدن بنی امیه شد.

سخن حضرت زینب(س) مانند سخنان امیرالمومنین بود

این کارشناس دینی با بیان روایتی مبنی بر اینکه زینب کبری(س) در کوفه طوری سخن می گفت که گویا امیرالمومنین سخن می گوید، بیان داشت: زینب کبری قطعاً اشیه الناس به امیرالمومنین است. منطق زینب کبری منطق امیرالمومنین است و صدای او وقتی می خواهد خطبه بخواند همان صدای امیرالمومنین است. این همان صوت و منطق و گفتار و عقل و همان خطابی است که جان مردم را به هم می ریزد و آنها را متوجه کارهایشان می کند و آنها را شماتت می کند. صدا صدایی مردانه نبوده است که مثلاً گویا مردی به جای زینب کبری سخن گفته است. آن منطق و درایت و استخدام واژگانی که در اوج فصاحت و بلاغت مفاهیم عالی خود را به دلها القا می کند، منظور است.

هیچ چیز غیر از زیبایی ندیدم

حجت الاسلام صفاری با اشاره به جمله ما رایت الا جمیلا گفت: کربلا دو بُعد دارد. یک بعد وحشیگری بنی امیه است که این وحشیگری زیبا نخواهد بود. منتهی کربلا یک بعد دیگر دارد که بعد فدا شدن و جان دادن و در راه خدا و ذبح شدن برای رسیدن به هدف است، لذا این وادی عشق بازی با ولی است که این قطعاً زیباست. اما چرا زینب کبری می فرماید من جز زیبایی چیزی ندیدم؟ چون او خود زیباست و زیبا جز زیبایی چیزی نمی بیند. چون او عبد و بنده خداست. اگر ظلمی به او می شود ظلم کننده را نمی بیند بلکه نحوه ارتباط خود را با خدا را می بیند که زیباست. در مناسباتی که بین بشر ممکن است پدید بیاید متوقف نمی شود، بلکه مناسبات را در رابطه خدا و خود می بیند و از این باب فرمود ما رایت الا جمیلا. نه اینکه بخواهد بگوید ظلم بنی امیه هم زیبا بود. ما رایت الا جمیلا یعنی من آنقدر در بندگی و اطاعت و شهادت و فداکاری غرق بودم که انگار هیچ

حضرت زینب چه مرتبه ای از عصمت را دارد؟

این واعظ دینی با اشاره به عصمت حضرت زینب(س) گفت: عقیده بنی هاشم همان امام حسین در قالب زنانه است. زینب حجت الهی نیست و حجج الهی در نزد خدا مشخص هستند اما به غیر از حجیت الهی زینب(س) با امام حسین دو تکه از یک قلب هستند و با هم یکی هستند. اگر بخواهیم از فضائل زینب کبری بگوییم هر چه از فضائل امام حسین گفتیم فضائل زینب کبری نیز هست.

وی ادامه داد: ما دو جور عصمت داریم. یک عصمت در رابطه با بندگی با خداست و عصمت عبودی است. یعنی کسی در بندگی به درجه ای می رسد که گناهی از او سر نمی زند. عواقب کار برای او روشن است و ممکن نیست مبتلی به آلودگی شود. این عصمت عبودی است و قطعاً عقیده بنی هاشم این نوع عصمت را داشته اند و مصداق اتم این عصمت هستند، بسیار اولیای الهی هم ممکن است بهره ای از این عصمت داشته باشند. اما یک نوع عصمت وجود دارد که مربوط به ولایت الهی و مخصوص ولی الله است که این عصمت را خدا به فرد اعطا می کند. لذا امام معصوم هیچ چیزی جز وحی نمی گوید. لذا افرادی که به این درجه می رسند مشخص هستند و کسی نمی تواند در این خصوص ادعا کند. عصمت ولایت و عصمت نبوی و اهل بیت را خدا به این چهارده معصوم داده و بقیه در این درجه نیستند. اما در بحث درجه عصمت عبودیت قطعاً حضرت زینب(س) برترین درجات را دارد.

اگر زینب(س) نبود قیام امام حسین(ع) به نتیجه نمی رسید

حجت الاسلام شریفی اقدم مترجم کتاب زندگانی حضرت زینب(س) در مورد اینکه چرا امام حسین در واقعه عاشورا زنان را با خود همراه کرد، گفت: آنطور که از سخنان خود امام حسین برمی آید، آن حضرت حرکت خود را بر اساس برنامه ای منسجم از مدینه آغاز کرد. ایشان در تمام منزل ها و مسیرها با برنامه عمل کردند. در رابطه با بردن زن ها و بچه ها خیلی ها به حضرت می گفتند که زن و بچه خود را در این سفر همراه نکن که حضرت در پاسخ می فرمودند که خداوند اینطور اراده کرده که می خواهد یک عده را شهید و یک عده را اسیر ببیند. لذا ایشان می دانستند که چه رخ خواهد داد.

این کارشناس دینی ادامه داد: امام حسین می داند که برای رسیدن به هدفی که دارد باید این زن و بچه را به همراه داشته باشد. یعنی این اقدام را دستور الهی و وظیفه خود می داند. قطعاً این زن و بچه در واقعه عاشورا موثر بودند. اگر زینب کبری و دیگران نبودند معلوم نبود که این قیام امام حسین به این نتیجه برسد.

خداوند روز قیامت داوری خواهد کرد

مترجم کتاب زندگانی حضرت زینب(س) در مورد نوع مواجهه حضرت زینب(س) با دشمن گفت: وقتی حضرت زینب وارد مجلس ابن زیاد شد، ابن زیاد سوال کرد که این زن کیست؟ چون حضرت زینب خیلی با وقار وارد مجلس ابن زیاد شد. حضرت برای بی اعتنائی به او جواب ابن زیاد را نداد. ابن زیاد چند بار سوال کرد تا اینکه یکی از کنیزان گفت که او زینب(س) دختر فاطمه(س) است. ابن زیاد رو به حضرت زینب(س) کرد و گفت حمد و سپاس خدا را که شما را رسوا کرد و کشت و گفته های شما دروغ از آب درآمد. اینجا بود که حضرت سکوت را روا نداشتند و فرمودند سپاس خدا را که ما را به پیامبر خود محمد(ص) گرمی داشت و از پلیدی ها پاک کرد که به آیه یرید الله لیذهب عنکم الرجس اشاره دارد. حضرت ادامه دادند فاسق کسی است که رسوا می شود و نابکار کسی است که دروغ می گوید.

این کارشناس دینی ادامه داد: وقتی ابن زیاد گفت که دیدی خدا با برادر و اهل بیت او چه کرد؟ حضرت پاسخ دادند ما رایت الا جمیلا که من چیزی جز زیبایی ندیدم. اینها گروهی بودند که خداوند شهادت را بر آنها تقدیر کرده بود و بسوی جایگاه ابدی خود شتافته و در آن آرمیدند. خداوند روز قیامت میان تو و آنان داوری خواهد کرد و در آن روز خواهی دید که پیروز چه کسی است.

حجت الاسلام شریفی اقدم گفت: پیروزی به این نیست که در ظاهر کسی که کشته شده مغلوب شده باشد. پیروزی رسیدن به آن هدفی است که انسان به دنبال به ثمر رسیدن آن است. هدف امام حسین اقامه دستورات الهی و زنده کردن دین پیامبر بود که به این واسطه محقق شد.

آغاز رسالت حضرت زینب(س) پس از عاشورا

این کارشناس دینی با اشاره به رسالت حضرت زینب(س) گفت: پس از کربلا زینب(س) تسلیم فشار و محنت و رنج نشد. حضرت زینب 72 نفر از نزدیکان و یاران با وفای امام حسین و از همه بالاترین برادر خود را از دست داده است اما با آن همه رنج این کاروان را بعد از امام حسین با کمک و راهنمایی امام سجاد(ع) رهبری کرد. این دردها نه تنها او را از پای در نیاورد بلکه اهداف بزرگ امام حسین را در جامعه اسلامی زنده نگاه داشت.

دلایل تبعید حضرت زینب(س)

وی ادامه داد: وقتی کاروان اهل بیت از شام به مدینه برگشتند، حضرت زینب(س) در مدینه شرح واقعه کربلا را بیان می کرد و مردم را علیه یزید برانگیخت و آنها را به خونخواهی از خون امام حسین دعوت می کرد. در بعضی از گزارش های تاریخی آمده است که عمرو بن سعید حاکم مدینه از حرکت حضرت زینب(س) و تحریک مردم علیه جنایت اموی ترسید و گزارشی از اوضاع سیاسی مدینه نوشت و در آن از نقش و رسالتی که زینب در مدینه ایفا می کند تا مردم را برانگیزد توضیح داد. لذا یزید دستورهایی را مبنی بر جدایی حضرت از مردم مدینه و محدودیت برای ایشان داد و حاکم اموی فرمان تبعید حضرت زینب را از مدینه صادر کرد.

حجت الاسلام شریفی اقدام در پایان سخنان خود اظهار داشت: بعضی از نقل ها مبنی بر این است که حضرت زینب(س) به شام می آید. جالب است که حضرت زینب در روستایی نزدیک شام ساکن می شود و حاضر نمی شود وارد شهری شود که حاکم آن یک حاکم اموی است و در روستایی که کنار شهر شام است توقف می کند.